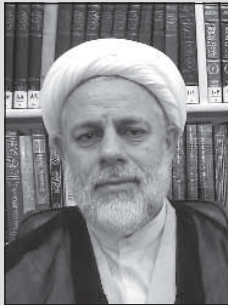


# پرسیدن یک کمال است



عبدالرسول عطایی\*



با جرات می‌توان ادعا کرد پرسش، اولین قدم در جهت تعالی بخشیدن به روح حقیقت جوی انسانی است. نمی‌توان فردی را یافت بدون اینکه روزانه به دنبال پاسخ گرفتن به برخی پرسش‌های درونی و بیرونی خود نباشد. انسان که به گوهر عقل آراسته شده همیشه در پی دانستن بوده و آغاز دانستن، پرسش از علت و چرایی مسائل پیرامونی او است. آدمی

در طول قرن‌ها به دنبال کشف حقیقت اشیا و علل بوجود آورنده آنها بوده و بدون اینکه لحظه‌ای از این معنا غفلت کند روزگار را سپری نموده است. پرسش‌گری جنبه‌ای از حقیقت روح آدمی است که سایر موجودات از آن بی‌بهره‌اند و شاید بتوان ادعا کرد که اساس تفاوت انسان با سایر موجودات، کنکاش درباره مسائل مرتبط با خود و جهان پیرامونی او است. بالندگی آدمی و دستیابی به افق‌های دور و نزدیک در گروی سوال بوده و خواهد بود کشف علوم مختلف و دستیابی به دانش‌های بنیانی مرهون پرسش بوده و در این میان خلق آثار بزرگ علمی، تحقیقات شگرف و آثار مکتوب گرانسنگ که میراث اندیشمندان اندیشه‌ورز بوده و هست تماماً با یک پرسش و یا پرسش‌ها به منصفه‌ی ظهور در آمدند، تاریخ اسلامی سرشار از ظهور اندیشه‌ورزانی بوده که آثار خود را در پی طرح یک پرسش کلید زده‌اند، قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام سرشار از دعوت به اندیشه‌کردن و تأمل در مسائل بنیانی است. برای دانستن که پایه توفیقات بشری است باید بدانیم که به چه چیزی نیاز داریم و از نداشتن چه چیزی در رنج هستیم همانگونه که تصورات و باورهای غلط از ناآگاهی و گاه‌أطلاعات غلط ناشی می‌شود؛ پرسش و به دنبال آن دستیابی به حقیقت، اساس موفقیت است پرسیدن یک کمال است

\* محقق و مسئول  
مرکز پاسخ‌گویی به  
پرسش‌های دینی  
مؤسسه فرهنگی میرداماد

همانگونه که اعلام به عدم آگاهی نسبت به چیزی، نیمی از ارزش است. ریاضیات، فیزیک، فلسفه، کلام و فقه همه از علوم دانش بنیان هستند که اینک دین و فلسفه دین و شریعت شناسی از علوم بنیانی انسانی است و نمی توان کسی را یافت که به دنبال آگاهی از خدا و صفات او و قیامت و سعادت و شقاوت و اسباب کسب عوامل آن دو نباشد. برای اینکه بدانیم باید مطالعه کنیم و معمولاً آغاز مطالعه با یک پرسش شروع می شود پرسش از مبانی اخلاق، دین، انسان شناسی، خدا و ...

مرکز پاسخ گویی «مؤسسه فرهنگی میرداماد» با هدف کمک در دادن پاسخ های مناسب به پرسش ها در حوزه دین پایه ریزی شد و در طول سالیان متمادی که در خدمت شهروندان پرسشگر بوده ایم سعی شده برای سئوالات مطرح شده، جواب های مناسب تهیه شود و با تمام وجود از پرسش ها و شبهات استقبال نموده ایم و تلاش وافر شده، پرسش ها بی پاسخ نماند و خوشبختانه در این راستا به توفیقات نسبتاً خوبی دست یافته و آثار مکتوبی را تحت عنوان کنکاش به خوانندگان و جویندگان علم عرضه داشته ایم.

ضرورت تأسیس چنین موسسات علمی غیرانتفاعی در سطح ملی و منطقه ای که نقش بزرگی در تشویق شهروندان خصوصاً جوانان به مطالعه و تحقیق در حوزه دین دارند قابل کتمان نیست زیرا این موسسات به خوبی می توانند محل طرح پرسش و دیدگاه ها باشند. از دیدگاه این مرکز، پرسش؛ قدم اول در راستای دانستن است، کسی که منطبق دارد از پرسش استقبال می کند و در تضارب آرا است که بهترین اندیشه به بار می نیشیند سعی این مرکز تشویق به پرسیدن و دانستن در حوزه ی علوم دینی است چرا که حل معضلات و شبهات فکری نیازمند طرح آنهاست. جا دارد از عالم دین باور و خدوم فرهنگ و ادب حضرت آیت الله نورمفیدی به خاطر کمک های شایان شان به پیشرفت فرهنگ در سطح استان با تأسیس موسسه فرهنگی میرداماد تشکر داشته باشیم.

با کمال خوشبختی اعلام می داریم که افتخار شنیدین پرسش های شما را داریم، باشد که در این مسیر با همکاری یکدیگر جامعه ای پویا، مترقی، اندیشه ورز و ایمانی سازیم. علاقه مندان می توانید با یکی از راه های زیر با ما تماس بگیرید.

۳۰۰۷۶۵۰۰۱۱۱۵ پیامک ۳۲۴۴۰۴۴۰ تلفن ۰۱۷۳۲۴۲۶۱۹۱-۳ نامبر داخلی ۸

ایمیل [info@mirdamad.org](mailto:info@mirdamad.org)

وبسایت: [www.mirdamad.org](http://www.mirdamad.org)

منبر داماد

## پرسش و پاسخ

❁ در برخی از آیات قرآن کریم به معجزه هایی از جمله زنده کردن مردگان، مسخ، شکافتن دریا و غرق کردن فرعون، صاعقه بر بنی اسرائیل، سایه افکندن ابر بر بنی اسرائیل، انفجار چشمه هایی از سنگ، بلند کردن کوه طور، زندگی دوباره مرغ سر بریده به دست ابراهیم و ... اشاره شده است. پرسش این است که آیا برخی موارد فوق، امکان عقلی دارد؟

۱- دقت شود که معجزه در عین این که معجزه است، ناقض قانون علیت و معلولیت کلی نیست. زیرا همه ی موارد برشمردن، حوادثی هستند که امکان وقوع دارند و محال عقلی نیستند از قبیل تقسیم عدد سه به دو عدد جفت و متساوی و یا تولد مولودی که پدر خودش نیز باشد، چون این گونه امور امکان ندارد. اما آنچه که استعداد شدن دارد، قابلیت دارد به آن چه که با او سنخیت دارد، تغییر کند و یا به شکلی دیگر در آید به شرطی که تغییر ماهیت پیدا نکند و از صورتی به صورت متضاد دیگر در نیاید. مثلاً اگر روح از بدن جدا شد (فردی فوت شود) با احیای فرد فوت شده و بخشش حیات دوباره، روح به بدن بر می گردد و این معنا محال نیست، زیرا صورت های نفسانی همانطور که در آخرت مجسم می شود، در دنیا نیز از باطن به ظاهر در آمده و مجسم می شود. ضمن این که کسی معجزه می کند که قادر مطلق است و یا به اجازه قادر مطلق، دست به چنین عملی می زند و از علم بی منتهی برخوردار و هیچگونه مانعی در اجرای اهداف و برنامه های خود ندارد.

۲- معجزه خرق عادت و باورهای عادی است نه خرق قانون علیت و معلولیت به بیان دیگر معجزه تسریع در سلسله علت و معلول است به نحوی که اقتضای تغییر شکل از صورتی به صورت دیگر را داشته و خداوند با سرعت بخشیدن به سلسله علل، موجودی را به نحوی که برای بیندگانی که نظاره می کنند یا می شنوند به طور واقعی نه وهمی و خیالی که کار شعبده گران است، دگرگون می سازد.

\*\*\*\*\*

❁ آیا این گفته که کتاب های گذشته از جمله تورات و انجیل، توسط قرآن نسخ شده

منابع:

۱- محمدتقی لسان الملک سپهر،  
نسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه، به  
اهتمام، جمشید کیانفر، انتشارات  
اساطیر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷، ج ۳.

۲- حاج میرزا حسن حسینی  
فسایی، فارسانه ناصری، تصحیح  
و تحشیه، دکتر منصور رستگار  
فسایی، امیرکبیر، چاپ اول،  
تهران ۱۳۶۷، ج ۲.

منافاتی با آیه ۸۹ سوره بقره که به تصدیق کتب گذشته تصریح شده و نیز ایمان آوردن به آنها در آیه ۱۲۶ سوره نساء امر شده است ندارد؟

در پرسش فوق تلاش شده که صحت پیروی از ادیان گذشته از نظر قرآن ثابت شود بدین صورت است که نسخ آنها توسط قرآن به معنی بی‌ارزش و باطل بودن آنها گرفته شده در حالی که شاکله مشترک همه‌ی ادیان، توحید است. پس چگونه است که اسلام ادیان گذشته را نسخ کند؟! حق آن است که قرآن (اسلام) ناسخ ادیان گذشته است ولی این مطلب ارتباطی با نسخ توحید ندارد و نیز منافاتی با تصدیق آنها و امر به ایمان آنها که در آیات بالا به آنها اشاره رفته ندارد مدعای فوق با عنایت به مطالب زیر روشن می‌گردد.

#### ۱) معنی نسخ شرایع

اسلام نسبت به آیین‌های دیگر کامل و جامع است ولی جامع و کامل بودن در برابر آیین‌های دیگر، این نیست که آنها از اصل و ریشه باطل و یا نادرست بوده اند. زیرا آیینی که از طرف خدای دانا برای هدایت گروهی از بشر فرو فرستاده شد هرگز نمی‌تواند ناقص و نادرست باشد بلکه هر کدام از آیین‌ها در جای خود صحیح و رسا بودند و برای رساندن بشر آن عصر به هدفی که شایستگی آن را داشته اند کافی بوده اند ولی برای انسان تکامل یافته انسانی که می‌تواند قله‌های بلندتری از کمالات مادی و معنوی را تسخیر کند باید فکر دیگر کرد و راه دیگری را در اختیار او گذاشت تا بتواند با پیمودن این راه به قله‌های بلند دست یابد به همین دلیل ادیان آسمانی یکی پس از دیگری برای تربیت انسان، در مراحل مختلف نازل شده تا به آیین اسلام که دین کامل و تمام می‌باشد رسیده است.

#### ۲) اسلام دین مشترک پیامبران

دین همه‌ی انبیاء مانند دین خاتم انبیاء اسلام بوده و اگر اتفاقی در ادیان گذشته وجود دارد فروعات جزئی به نام شریعت و منهای است (مائده/۴۸) وگرنه خطوط کلی دین که اسلام باشد ثابت است (آل عمران/۹) همه‌ی انبیا مردم را به اسلام و تسلیم در برابر فرمان خدا دعوت کرده‌اند.

#### ۳) گستره نسخ

آنچه گذشت روشن شد که دین همه‌ی انبیاء (ع) اسلام است بنابراین توحید، نبوت و معاد از اصول پذیرفته شده همه‌ی آنهاست و نسخ آنها در قرآن بی‌معناست و نیز نسخ شامل اصل

احکام کلی مشترک مثل نماز و روزه نمی شود (بقره/۱۸۳) بنابراین تنها برخی احکام فرعی و جزئی قابل نسخ می باشد.

۴) هدف از نسخ

هدف از نسخ تکامل در روش تربیت بندگان می باشد چنانکه در انجیل متی آمده است: گمان می کنید که من آمده ام از هم بپاشم و برطرف کنم ناموس یا شریعت پیغمبران را، نیامده ام از برای از هم پاشیدن بلکه آمده ام برای آنکه کامل کنم ناموس را.

۵) جایز نبودن پیروی از غیر اسلام

پیروی برای مردمان عصر انبیا، از آنها لازم بوده است اما اکنون با وجود کامل ترین شریعت (اسلام) پیروی از شرایع دیگر مانند مسیحیت و یهودیت جایز نیست زیرا: الفبا قرآن با اعتقاد به باور غلط مانند پسر خدا دانستن عزیز توسط یهود و پسر خدا دانستن عیسی توسط مسیحیان مخالفت و آنها را دعوت به شریعت راستین اسلام می کند.

ب) قرآن صریحاً می فرماید هر کس جز اسلام آئین برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد (آل عمران/۸۵)

ج) اگر پیروی از سایر شرایع گذشته جایز بود، چگونه پیامبر (ص) برای سران کشورهای نامه نوشتند و آنها را دعوت به اسلام نمودند و چگونه گاهی با اهل کتاب مثل یهود خیبر به جنگ پرداخت.

۶) جریان نبوت جریان واحدی است و از سوی خدا برای هدایت بشر آمده است بنابراین مسلمانان باید همه ادیان گذشته را تصدیق کنند. ولی تصدیق به معنای عمل به دستورات آنها نیست بلکه معنایش این است که معتقد باشیم برای موسی (ع) و عیسی (ع) نازل شده و از طرف خدا بوده و باعث سعادت مردم بود پس نسخ به معنای پایان یافتن است نه به معنای ابطال.

\*\*\*\*\*

❁ با وجود علم و عقل چه نیازی به وحی داریم؟

این سخن درست مثل آن است که فرزندی به والدین خود بگوید من به راهنمایی شما نیازی ندارم و می خواهم هر چیزی را خودم تجربه کنم تا بپذیرم. این سخن به ضرر فرزند است با والدین؟ معتقدین به وحی، علم، عقل و تجربه را کنار نمی زنند که وحی را به جای آن‌ها بنشانند،

بلکه آن‌ها را محدود می‌دانند و در کنار عقل و تجربه از وحی نیز بهره می‌جویند و بر شناخت خود از حقایق هستی می‌افزایند.

کسانی که نسبت به وحی بی‌اعتنا هستند و فقط بر علم و عقل خود تکیه می‌کنند از شناخت بسیاری از موارد هستی محروم مانده‌اند. آن‌ها نسبت به سرنوشت خود پس از مرگ هیچ اطلاعی ندارند و از پایان این هستی با عظمت بی‌خبرند در این هستی، رازهای بسیاری هست که اگر کسی فقط با علم و تجربه محدود خود بخواهد زندگی کند از بسیاری از آن‌ها محروم می‌ماند.

راستی اگر سازنده کالایی، به ما اطلاع بدهد باید بگوییم ما به اطلاعات شما نیاز نداریم، خودمان تجربه می‌کنیم و می‌فهمیم خالق هستی درباره هستی، آینده، اهداف و راه صحیح بهره‌گیری از آن، اطلاعات و اخباری را از طریق بهترین افراد که پیامبران باشند، در اختیار ما گذارده است. بی‌اعتنایی به پیام‌های الهی، محروم کردن بشر از یک کانال به مراتب گسترده‌تر از کانال تجربه است و چه ظلمی بالاتر از این که بشر، چشم و گوش خود را بر بخشی از دانستنی‌ها ببندد.